

خلیل سلطان القرائی

مقایسه دیدگاه چندعالم تربیتی در زمینه پرورش اجتماعی و نظر مکتب مقدس اسلام

مقدمه :

از هدفهای مهم نظامهای مختلف آموزش و پرورش توجه بسه رشد و پرورش زمینه های اجتماعی کودکان و نوجوانان است . هر پدیده ای که ما معمولاً آن را به حالت مجرد می نگریم و بدون ارتباط با اشیاء و افراد تصور می کنیم ، در ارتباط با محیط و اجتماع معنی پیدا می کند . به عبارت واضح تر آهنگ حرکت گروههای انسانی ، در جامعه تنظیم می گردد و جهت دار می شود .

به گفته مارتین هایدگر " انسان موجودی است درجهانی " ؛ یعنی اگر محیط اجتماعی و تاثیرات جامعه را از انسان حذف کنیم ، معنی انسان نیز از بین خواهد رفت . انسان بدون جهان بی معنی می گردد ، برای اینکه زندگانی انسان ضرورتاً در بین افراد دیگر و

* عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز .

۱ - هایدگر - مارتین - وجود و زمان صفحه ۲۵ و نیز کوروز - موریس -

فلسفه هایدگر پاریس ۱۹۶۹ صفحه ۱۴ .

همنوعان خود آغاز می شود و الزامات اجتماعی و روابط مستمر، انواع رفتارهای اجتماعی او را به وجود می آورند و تغییراتی را در رفتار او باعث می شوند، تا انسان رنگ اجتماعی پیدا می کند و در موازات ایس تغییرات، سایر جنبه های رشد او نیز به خاطر پیوستگی و تاثیرپذیری توسعه یافته و با رشد اجتماعی هماهنگ می شوند و معنای انسان و حضور وی در جامعه فهمیده می شود. بهمین لحاظ، ف- ل- مولر در تاریخ روانشناسی، در یک جمله کوتاه می گوید " انسان در رابطه با عالم فهمیده می شود"^۱.

به عبارت دیگر، در سپهر اجتماعی که احکام ارزشی انسانها در باب خیر و شر^۲ - زشت و زیبا حق و باطل که انگیزه های اصلی زندگی اجتماعی هستند، از ورای جامعه ای که در آن زندگی می کنند، تکوین می یابند. به عبارت دیگر ارزشهای هر انسانی که او را به کار و فعالیت با امساک و خود داری و ادار می کنند همگی رنگ اجتماعی دارند و از جامعه ای تا جامعه دیگر فرق می کنند.

مارتین هایدگر فیلسوف مشهور معاصر نحوه خاص هستی انسان را همان درجهان و در اجتماع بودن می داند، و می گوید انسان کـون فی العالم دارد. وجدائی انسان از جامعه یک انتزاع ذهنی و وهمی است. در واقع انسان، با حضورش درجهان و در حضور امری که غیر از اوست، یعنی جهان، فهمیده می شود. " انسان به نحوی وجود دارد که خود را بر حسب امریکه خود او نیست، می فهمد. انسان هرگز خود را به صورت یک ذهنیت محض لحاظ نمی کند، یعنی شخصی که " من" محض باشد، و از تمام روابط خود با اشیاء متزع شده باشد. نمی توانیم جهان را در میان پارانتز قرار دهیم، ما بالضرورة به جهان وابسته ایم."^۲

۱- فل مولر- تاریخ روانشناسی- ترجمه کاردان علی محمد، جلد دوم صفحه ۲۱۱

۲- موریس کوروز - فلسفه هایدگر- پاریس ۱۹۶۶ صفحه ۱۶

بنابراین همواره صحبت از تعلیم و تربیت در اجتماع و در میان روابط گوناگون انسان با جهان مطرح می شود. توجه به مراتب فوق ، نظر علمای تعلیم و تربیت را در زمینه پرورش اجتماعی بیش از پیش نسبت به حضور انسان در جامعه معطوف ساخته است تا آنجا که مسایل فوق ، توجه بعضی از علمای تعلیم و تربیت را چنان به خسود مجنوب ساخته ، تعریفی را که از تعلیم و تربیت نموده اند آن را جز تحقق رشد و پرورش اجتماعی چیز دیگری در نظر نیاورده اند یعنی تعلیم و تربیت را یکی از کارکردهای اجتماعی تلقی نموده ، و عامل اصلی تشکیل یک جامعه پیشرفته دانسته اند.

بنابراین "تعلیم و تربیت عامل اصلی تشکیل یک جامعه پیشرفته است ، در جوامع پیشرفته تر تعلیم و تربیت رسمی دارای اهمیت بیشتری است . زیرا دوره آموزش رسمی افزایش می یابد تا گروهی ممتازتری را پرورش دهد. بنابراین تعلیم و تربیت در هر جامعه یک قدرت تخصصی است که افرادی وطن پرست و انسان دوست در حد اعلی تربیت نماید"^۱

اینکه در دیانت مقدس اسلام و در قرآن مجید آیه مبارکه ۱۲ سوره رعد می فرماید : احوال قومی تغییر داده نمی شود مگر اینکه آنها در آنچه از نفسهای ایشان است تغییر بدهند ، یعنی افکار و عقاید خود را عوض کنند ، این امر نیز جز به وسیله تعلیم و تربیت صحیح میسر نمی گردد، بهر حال ، " خداوند سرنوشت هیچ قوم (ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند..."^۲

۱ - دورکیم - امیل - تعلیم و تربیت صفحه ۱۸ .

۲ - تفسیر نمونه جلد نهم ۱۳۶۰ صفحه ۱۴۱

رشد و پرورش اجتماعی چیست^۱؟ رشد اجتماعی در مورد کودکان و نوجوانان آنست که ایشان چه اندازه روابط امور و رفتار اجتماعی را فهمیده و به آنها عامل هستند، یعنی درک و عملشان چگونه در چه حدودی موزون، هماهنگ با آداب و رسوم و اعتقادات جامعه شان است. زیرا فرد اجتماعی تنها آن کس نیست که در میان افراد باشد و بدون تعامل با آنها زندگی کند، بلکه فرد اجتماعی آن کسی است که با افراد دیگر زندگی کرده و با آنان کار و فعالیت کند و ایجاد ارتباط نماید.

مراد اصلی از پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان، ایجاد تغییرات و هدایت جریان کلی رشد کودکان و نوجوانان می باشد، تا بتوانند در جامعه خود، زندگی شادمانه و علاقه مندانه داشته باشند. به عبارت دیگر در میان جمع بودن لذت ببرند. این شادی و علاقه مندی جز با شرکت در فعالیتهای اجتماعی و ملاحظه موثریت و نفوذ خود فراهم نمی گردد.^۲ پس، یکی از هدفهای پرورش اجتماعی، ایجاد سازگاری فعال است. اما سازگاری، خود مستلزم درک آداب و رسوم و فهم دقیق ارزشهای اجتماعی است. کسی که از لحاظ اجتماعی سازگاری فعال و مثبت حاصل کرده، همیشه یک خوشحالی منطقی دارد و بیشتر در حال حاضر زندگی می کند، در گذشته نیست و نسبت به آینده با نظر یاس و تزلزل نمی نگرد، بلکه با طرح هدفهای خود در آینده، از وضع موجود به عنوان محل تلاش استفاده می کند و با اطمینان آنرا پرمی کند، از کارهایی که انجام داده راضی و خوشوقت است و از ابراز لذت و

۱ - باید توجه کرد که کلمه اجتماعی به دو واقعیت بسیار متفاوت اطلاق می شود از سوشی به جنبه های عاطفی رفتار و از سوی دیگر به جنبه های شناختی و عقلانی و اعتقادی رفتارهای انسانی اطلاق می شود.

۲ - روانشناسی اجتماعی، آلبرت اروسون، ترجمه حسین شکرکن تهران ۱۳۷۵

خوشحالی خود بیمناک نیست.^۱ به همین مناسبت امیل دورکیم مفاهیم و مبنای عقلی و تمام‌شون رفتاری و ارتباطی را ناشی از جامعه می‌داند و ژان ایزوله شعار "عقل فرزند مدینه است" را مطرح می‌سازد.^۲

به عقیده دورکیم "منشاء و حتی ماهیت اصول اوائل معقولات، جز حیات اجتماعی نیست و این اصول هم فقط مستفاد از تجربه‌ای است که به وسیله حیات اجتماعی، و نه بوسیله افراد، درمورد واقعیت به عمل آمده است."^۳

دورکیم همچون اگوست کنت، تعلیم و تربیت را امر اجتماعی می‌داند و نظریات تربیانی که تعلیم و تربیت را پدیده فـردی دانسته‌اند انتقاد می‌کند و اصولاً هیچ تربیتی را بدون جامعه قابل تصور نمی‌داند. به همین لحاظ تعریفی که دورکیم به تعلیم و تربیت می‌دهد عبارتست از عملی می‌داند که نسل بالغ در باره نسلی که هنوز برای زندگی اجتماعی قادر نیست معمول می‌دارد، یعنی آموزش و پرورش عبارت از مدنظر قرار دادن پرورش زمینه‌های اجتماعی است. وی معتقد بود که جامعه بطور کلی و هر محیط اجتماعی بطور خاص آرمان‌ساز ایده‌آلی را که آموزش و پرورش متحقق می‌سازد تعیین می‌کند.^۴

واقعیت اینست که اگر به موضوع و عمل تعلیم و تربیت دقیق باشیم گاهی به مربیانی که تعلیم و تربیت را از لحاظ منشاء و کارکرد، امری اجتماعی دانسته‌اند نباید زیاد با دید انتقاد بنگریم. برای

۱ - روانشناسی تربیتی برای معلم، محمد شهرستان و همکاران، تهران ۱۳۴۴ صفحه ۱۳۰.

۲ - فولکیه - پل فلسفه عمومی - ترجمه یحیی مهدوی صفحه ۱۶۷.

۳ - همان منبع صفحه ۱۶۸.

۴ - علاقه بند - علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش صفحه ۳۴.

اجتماعی است از عناد و مخالفت‌های بنیان کن پرهیزی می‌کند. " یکی از مبانی عمده زندگی اجتماعی، ارتباط و انتقال افکار و عقاید، آداب و رسوم ایده آلها و ارزشها و معیارهای عمومی و اخلاقی است. اگر افراد بشر قادر نبودند که از طرق مختلف و به وسایل گوناگون افکار و عقاید خویشتن را مبادله نمایند ادامه حیات و پیشرفت آن مشکل به نظر می‌رسید. ^۱

دیدگاههای مربیان نسبت به مسئله رشد اجتماعی : اینک به بررسی آراء و نظریات بعضی از مربیان در باب پرورش اجتماعی می‌پردازیم : جان لاک ۱۶۳۴ - ۱۷۰۴ یکی از چهره‌های برجسته تجربه‌گرایی، وازاولین کسانی است که آراء و افکار تازه در تعلیم و تربیت جدید را مطرح کرده‌است.

می‌توان گفت که تا زمان لاک، اکثر مربیان، قرن‌ها به این‌باور بودند که کودکان مقیاس کوچک افراد بزرگسال هستند و کودک بصورت مینیاتور افراد بالغ قدم به جهان هستی می‌گذارد. همان‌گونه که آریس ۱۹۶۵ نظریه پردازد آمریکائی معتقد است : " این دید تا قرون وسطی غالب بود. تا سده چهاردهم میلادی درنقاشیها به گونه‌ای تغییر - ناپذیر کودکان را با تناسب بدنی و ویژگیهای چهره افراد بزرگسال تصویر می‌کردند، کودکان تنها به وسیله اندازه خود متمایز می‌شدند" در واقع دیدگاه پیش ساخته ای به آنها حاکم بود و مردم تفاوتی بین کودکان و بزرگسالان قایل نبودند و رفتار بزرگسالان را به آنها نشان می‌دادند. این نظریه از قرن شانزدهم میلادی، به افول گراشید و دگرگونی دیدگاه‌های پیش ساخته و ماتقدم، خصوصا در قلمرواندیشه‌های

۱ - دکتر شریعتمداری - علی جامعه و تعلیم و تربیت ۱۳۶۲ صفحه ۶۶
 ۲ - کرین، ویلیام، سی، ترجمه فریدخدائی، پیشگامان روانشناسی
 رشد صفحه ۱۵

اجتماعی، به زمینه های تفکرات جامعه گرایان گرایش یافت و کودکان را دیگر همانند بزرگسالان و یا مینیاتور افراد بزرگسال ملاحظه نکردند بهر حال، از نظر تربیتی لاک این امر مستفاد می شود که همه برابر زاده می شوند، و اگر بعضی افراد بهتر از دیگران مشاهده می شوند، ناشی از شرایط مطلوب اجتماعی و نحوه زندگی اجتماعی است. وی معتقد است که ذهن افراد همانند لوح سفیدی است که چیزی در آن نقش نبسته است و بتدریج از محیط خارج (جامعه) و از راه حواس مختلف شناخت و معرفت برای او حاصل می شود. لاک به این امر اعتقاد راسخ داشت که افراد مزاجها و سرشتهای خاص خود را دارند اما در کل، جامعه و محیط است که شکل نهائی را بنهن و نگرش کودک می دهد. بهمین لحاظ باید سعی کافی نمود تا محیط تربیتی سالم، در مقاطع مختلف تحصیلی، به کودکان فراهم شود، تا کودکان نیز بصورت دوستی سالم و همکاری صدیق بار آیند، و بطور کلی ارتباط صحیح با فرد و جامعه داشته باشند. لاک اهل تجربه است، بدانجهت به کار انداختن حواس را برای فعالیت های بعدی تعقل، ضروری می داند "در آغاز کار حواس ما که با اشیاء خاص محسوس مرتبط است با اشکالی که آن اشیاء در آنها (حواس) تاثیر می کند، مدرکات متعدد و معین اشیاء را به ذهن می آورند، و بدین طریق ما تصوراتی نظیر زرد، سفید، گرما، سرما، نرم، درشت، تلخ و شیرین و تمام چیزهای دیگر را که آنها را کیفیات محسوسه می نامیم اکتساب می کنیم."

لاک با افکار معلومات فطری، بسه دلیلی
اگر معلومات، فطری بودند، لازم می آید نیازی بسه
آموختن نداشته باشیم، ثانیاً باید همه مردم یکسان معلومات خاصی

۱- تحقیق در فهم بشر - جان لاک، ترجمه رضازاده شفق، تهران ۱۳۳۹

می داشتند،^۱ به سوی تجربه و به کار انداختن حواس و عقل و فکـر حرکت نموده و توصیه می نماید، دانش آموزان با بکار انداختن حواس خود راه رشد و پیشرفت را طی می کنند. نظر لاک این است که انسان نباید به انتظار ظهور بی دلیل معلومات در ذهن بماند، راه صحیح رشد و پرورش همانا به کار انداختن حواس است.

لاک در کتاب خود بنام " اندیشه هائی راجع به آموزش و پرورش " از روح سالم در بدن سالم بحث می کند ، و خوشیختی را متوقف به آن دو می داند و از اطلاعات پزشکی و آموزگاری که داشت ، مطالبی سودمند تقریر می کند . اغراض عمده آموزش و پرورش عبارتست از فضیلت و خرد و ادب و دانش . فضیلت بواسطه خداشناسی و حقپرستی و خرد با پندار درست و ادب با تعلیم اینکه خود و دیگران را موهون نسازیم و دانش طی عمل و تجارب خوش آیند باید آموخته شود^۲ .

لاک برای بهبود زندگی اجتماعی وجود کیفر و پاداش را ضروری می داند زیرا به نظر وی اعمال انسانی با لذات حاصل کیفر و پاداش نمی باشد. لاک به سه نوع قانون برای نظم اجتماعی قابل است :

۱ - قانون شرع

۲ - قانون عرف

۳ - قانون شیاع یا افکار عمومی ، لاک اهمیت زیادی به هر سه قابل است در مورد قانون شرع برای اداره اجتماع می گوید: " گمان می کنیم هیچ فردی اینقدر کودن نباشد که انکار کند خدایتعالی اصلی عطا کرده به حکم آن مردم موظفند خود را اداره کنند. خدا چنین حقی را دارد، چون ما مخلوق او هستیم . رحمت و حکمت خداوند اعمال ما را به اکمل هدایت می کند. خدایتعالی قدرت اجرایی قانون و پاداش و کیفر

۱ - همان کتاب ، صفحه ۹

۲ - همان کتاب ، صفحه ۵۶

یامیزان و ادامه بیکران اعمال ما را در آن جهان دارد ، زیرا احدی نمی تواند ما را از ید قدرت او به درآورد. این تنها محک صحیح اخلاق حسنه است"^۱ لاک به داوری عامه نیز اهمیت فراوان قائل است و معتقد است که "کسی که بر ضد رسوم و عقاید جامعه‌ای که در آن زندگی می کند عمل نماید ، راه فرار (از کیفر) ندارد..."^۲

لاک معتقد است کسی باید نقش مربی را به عهده بگیرد که " ... با انواع مختلف مردم معاشرت نموده باشد و معنای زندگی را بداند"^۳. در مورد پرورش اجتماعی ، لاک به خداشناسی و پرهیز کاری و آداب دانی و سرمشق اهمیت فراوان قائل است. " بطور خلاصه از مربی انتظار می رود نسبت به شاگرد خود همانقدر مواظب و مراقبت نشان دهد و برای او همان قدر سرمشق خوبی باشد که از یک پدر توقع توان داشت . از طریق سرمشق است که روح کودک پرورش می یابد و تنها از این راه است که تربیت با ارزش به طفل می توان داد. بنابراین از کلیه چیزهای لازم برای زندگی ، لاک دانش را در آخرین درجه قرار می دهد. در درجه اول و به ترتیب کاملاً معینی ، خداشناسی ، پرهیزکاری ، دوراندیشی ، آداب دانی و ادب قرار گرفته است."^۴

۲- ژان ژاک روسو (۱۷۷۸ - ۱۷۱۲) عموماً چنین پذیرفته شده است که ژان ژاک روسو در نحله تربیتی خود به جامعه توجه نکرده است و تمام مسایل تربیتی را در زمینه خود انسان نگریسته و مطرح نموده است و حتی عده او را بیشتر به عنوان فیلسوف

۱- تحقیق در فهم بشر- جان لاک، ترجمه دکتر رضا زاده شفق تهران ۱۳۳۹

۲- همان کتاب صفحه ۲۱۵

۳- مربیان بزرگ ژان شاتو- ترجمه غلامحسین شکوهی چاپ سوم

۴- همان جا صفحه ۱۴۵

شناخته‌اند تا یک مربی ، و گفته‌اند که او به جزئیات تربیت‌نپه‌ریادافخته و به اصول کلی اکتفاء کرده‌است . در صورتیکه تفکرات روسدر واقع نهضتی علیه لاک بود و از بزرگترین مربیان بشمار می‌رود که نظریات تربیتی وی روی متفکران و مربیان بعد از خودمانند کانت و دیوشی اثر عمیقی داشته‌است . " از نظر روسو ، هر چیزی درحالت طبیعی خود نیکوست و تماس با افراد انسان است که موجب فساد می‌شود . (در - صورتیکه) از نظر لاک کودک مادام که درحالت طبیعی باشد درحالتی بدوی و ابتدائی بسر می‌برد که به هیچ وجه برای زندگی در اجتماع مناسب نیست . در حالت طبیعی کودک از لحاظ طرز رفتار خشن و سختگیر است ، دیگران را تحقیر و ریشخند می‌کند و بیش از حد آماده سرزنش کردن و محکوم کردن می‌باشد و ذهن دستخوش تناقضات نامیمون دارد ."^۱

اصولاً در پرورش انسان باید به این امر توجه شود که فطرت انسان ، زمینه بیکرانی از تواناییهاست . در ادبیات عرفانی خود ما کرارا به این مطلب اشاره شده‌است که قدرت انسانی بیکران است :

روح انسانی زحق دارندشان نیست پیدا قدرت او را کران
 بنا بر این می‌توانیم با جمع بین آراء لاک و روسو بگوئیم ، زمینه پاک انسان در اثر تعلیمات نادرست ممکن است تباه شود و آن بیکرانی طبیعت انسانی ، عاطل و باطل باقی بماند و یا در جهت نا مناسب سیر کند که خود بلای جان خود و دیگران می‌گردد . بنا بر این ، کمال مطلوب تربیت اجتماعی این خواهد بود که هم جامعه و هم خانواده و مدرسه هماهنگی لازم را جهت پرورش اجتماعی کودکان متعدد شوند . صداقت علمی و آگاهانه و صداقت ایمانی هر دو مقدمه نیل به این کمال مطلوب هستند . به نظر لاک خداوند " آدمی را تحت الزامهای نیرومند ضرورت ، آسودگی ، و گرایش نهاد ، تا او را به درون جامعه سوق دهند .

پس نمی توان گفت که جامعه برای انسان غیرطبیعی است.^۱ "ژان ژاک روسو پس از افلاطون بی تردید یکی از بزرگترین و نام آورترین متفکران غربی در زمینه تعلیم و تربیت است، دلیل عظمت او از جهتی این است که آثار او در زمینه تربیت بسی وسیعتر، کاملتر، منظم تر و منسجم تر از پیشینیان اوست."^۲

در واقع تعلیم و تربیت روسو می خواست روش پرورش و رشد کودکان را تغییر دهد یعنی از تاثیر صد در صد اجتماع و قالب بنسبی کودکان فقط در مسیر جامعه گریزان بود نه از خود جامعه، برای اینکه صاحب آن تفکر طبیعتا اثرات جامعه را بطور حتم روی افراد ملاحظه می کرده او می خواست نحوه رشد را در اثر پیروی از طبیعت بنا کند نه ناشی از تاثیر اجتماع، و نمی خواست مردم مورچه گونه و یکنواخت تربیت شوند.

در تعلیم و تربیت جدید، و پس از پیدایش فلسفه های اصالت وجود خاص انسانی، هرانسانی خود، موجود منحصر بفردی در نظرمی آید که در اجتماع زندگی می کند با اینکه همه مردم مشابهات و مشترکاتی باهم دارند، ولی ظهور تازگی ها و ابداعات فکری و هنری و عقلانی و عملی در گروه نگرشهای خاص هر فرد می باشد. بنابراین اگر همه مردم در اجتماع از آداب و رسوم یکسان پیروی کنند و گرایشهای فردی را در زندگی خود داخل نکنند، در واقع درهای ابداع و خلاقیت بسته می شود، ثانیاً آزادی حقیقی و درونی انسانها در یکنواختی جامعه محو می شود. به عبارت ساده تر همه نمی توانند یک جور بنویسند و لاسبک ها و دل انگیزیهای آنها از بین می رود و انسان از درک نعمت بزرگ تنوع بیانیسات و نگرشها محروم می بهره می ماند.

۱- فیلسوفان انگلیسی (از هابز تا هیوم) نوشته فردریک کاپلستون- ترجمه

امیرجلال الدین اعلم - تهران ۱۳۶۲ صفحه ۱۴۸

۲- دفتر همکاریهای حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت جلد اول صفحه ۲۵۹

در حقیقت روسومنکر جامعه نیست بلکه مخالف جامعه بد و فاسد و متحجر است وی سعی می کند توسط تربیت انسان و اصلاح وی ، جامعه را اصلاح کند و یک جامعه مطبوع و مطلوب بسازد. او از جامعه خود بیزار بوده و از ظلم و نابرابری جامعه شکوه می کرد و از عواقب نادل پسند چنین جامعه ای ، به سوی طبیعت پاک و منزه روی آورده و در پی آرمان سعادت بشری بوده است . آرمان سعادت بشری نیز جز در گرو رشد و شکوفائی زمینه پاک و خلاق انسانی در ضمن فردیت هسای گوناگون نمی باشد. " بطور کلی می توان گفت که هدف تربیت به نظر روسوباز سازی انسانی است که بتواند در جامعه بازسازی شده زندگی کند" ^۱ مراد از جامعه بازسازی شده ، جامعه ای است که به اختلافات افراد در جو مناسبی امکان پرورش و رشد بدهد، زیرا آزادی حقیقی انسانها در جامعه و با وجود الزامات اجتماعی ، همانا روزه هائی است که انسان می تواند با نگرشهای فردی خود باز کند و تعبیر و تفسیرهای تازه ای از واقعیت ها بدهد و خود را از جبر علمی یا دتر - می نیسم کور نجات دهد.

وی می خواست بپرسد کودکی را که می خواهند تربیت بکنند، در کدام جامعه و در چه شرایطی و با کدامین ارزشها پرورش می دهند. امتیاز وی نسبت به مربیان دیگر آنست که او می خواهد طبیعت کودک را بشناسد و معلم و مربی موفق را کسی می داند که به این امر توجه کند تا بر اساس معرفی طبیعت کودک ، او را از همه جنبه های مصنوعی و تزویرها و دروغهای رایج ، در زندگی اجتماعی دور کند و از هرگونه پرورش کورگورانه و تحمیلی پرهیز دهد زیرا سرچشمه اصلی پرورش ، ذات پاک انسانی ، و محرک اصلی همان است ، و نباید تعلیمات بعدی آن سرچشمه را بخشکاند. با توجه به این مسئله مهم است که سورن کیر - که کارد فیلسوف دیندار دانمارکی توصیه می کند که ، انسان را همراه با بند ناف اولیه مطالعه کنید. یعنی قبل از اینکه به قالبهای مصنوعی

و محدود کننده گرفتار شود، بیکرانی روح او را مخصوصا در ارتباط بسا لایتنهای (خداوند) بررسی نمایند. با این حال اصحاب مذهب اصالت جامعه شناسی ، سعی دارند ، کودک را در محدوده قوانین و اطاعت از آنها که در جامعه حاکم است پرورش دهند، یعنی آزادی را عبارت از اطاعت از قانونی می دانند که در جامعه حکم فرماست . بنابراین روسو و دیدگاه او در زمینه پرورش اجتماعی اینست که با تعلیم و تربیت صحیح و با اصالت دادن به طبیعت پاک انسانی ، افراد را بر اساس طبیعت و فطرت خودشان پرورش دهند و بدین ترتیب ، جامعه صحیح و آرزوئی بوجود آورند ، نه اینکه دست بسته و کورکورانه در جامعه خود کاملا منفعل بدون توجه به زمینه پاک خود ، مسایل جامعه را متحمل شوند. در این مکتب کم توجهی و بی اعتنائی به کودک و اصالت دادن به جامعه انتقاد شده است ، بطوریکه خود او در ابتدای نخستین کتاب خود امیل می نویسد: " تحقیق ما بررسی و مطالعه وضع و موقع انسان است " ^۱ و نیز هدف کتاب قرار داد اجتماعی روسو آن بود که " جامعه ای منطبق با شرایط عقل که طبیعت را محترم بشمارد تشکیل دهد... امیل همین هدف را در مورد فرد دنبال می کند. چگونه باید امیل را آماده نمود تا وظیفه مدنی خود را که در همین حال وظیفه دینی او هم هست عهده دار شود. در واقع مسئله دشواری که سراسر کتاب برای ارائه راه حل آن نگاشته شده است ، همین است، بهمین جهت به ازدواج امیل و به جای گیری او در یک اجتماع پایان می دهد " ^۲.

پس به این امر باید توجه شود که روسو ، الزاما وجود جامعه را امری واقعی می داند اما نگرانی وی از پرورشهای غلطی است که منجر

۱ - مرییان بزرگ - ژان - شاتو - ترجمه غلامحسین شکوهی صفحه ۱۷۹

۲ - همان کتاب صفحه ۱۸۲

به از بین بردن ذات پاک انسانی می‌گردند و آرزوی او این بود که اوصاف باز دارنده و بی‌حال کننده از وجود انسان دور بماند. "بنابراین هدف آموزش و پرورش تجدید ساختمان بیک آدم اجتماعی است، اما ایمن تجدید، بنا بر طبق قوانین نظم و عقل که از جانب خداوند بر حسب طبیعت مقرر گردیده است صورت خواهد گرفت" ^۱ می‌توانیم بگوئیم که به نظر روسو تربیت ناهنجار، عدمش به از وجود آنست، در واقع تربیت های ناقص و نامبتنی بر طبیعت انسانی، محو کننده استعداد های انسانی است. اما تربیت مبتنی بر طبیعت انسانسی، همانطور که پیاپوری کردیم، اهمیت دادن به تفاوت های فردی، در مورد بیان و استنباط و ذوق و سایر گرایش های انسانی است. از این راه است که شکوه ذات انسانی به منصفه ظهور می‌رسد، و انسان در قالب های یک نواخت قرار نمی‌گیرد و مورچه گونه زندگی نمی‌کند. "نبوغ عبارتست از باور داشتن به فکر خود و مومن بودن به این نکته است که آنچه برای ما و در قلب خود ما حقیقت دارد، نزد تمام مردم محقق است، مکنونات ضمیر خود را ابراز دارید و بدانید که سخن شما مقبولیت عام خواهد یافت." ^۲ "در همان هنگام که همه مردم طور دیگری می‌اندیشند ما با ثباتی خرسندانه در احساس طبیعی خود استوار باشیم و لا... ماناگزیر خواهیم بود که عقیده خود را با شرمساری از دیگری بگیریم." ^۳

اینک می‌توانیم به دیدگاه آموزش و پرورش جان دیوشی ۱۹۵۶ - ۱۸۵۹ در مورد پرورش اجتماعی مروری داشته باشیم. ایمن فیلسوف و مربی مشهور به زمینه اجتماعی آموزش و پرورش کافی کودکان

۱ - همان کتاب صفحه ۱۸۳

۲ - فلسفه اجتماعی - ترجمه از نویسندگان مختلف توسط ع. احمدونجف دریابندی و همکاران تهران ۱۳۴۵ صفحه ۳۰۳ - ۳۰۲

۳ - همان کتاب صفحه ۳۰۳

توجه مبذول کرده و کتابی در همین عنوان یعنی مدرسه و اجتماع تالیف نموده است وی بر روی تفکرات افراد کشورش و در تحولات آموزشی عصر حاضر نقش مهمی داشته است .

او از مبانی تربیتی خود روی این مسئله تاکید می کند که — "مدرسه جامعه کوچکی از اجتماع بزرگ است"^۱ یعنی دانش آموزان زندگی کردن در جامعه بزرگ را باید در مدرسه بیاموزند و سیستم های آموزشی توجه کافی به اجتماعی شدن فرد فرد دانش آموزان داشته باشند . این دانشمند معتقد است که آموزش و پرورش نباید محدود به تعالیم رسمی آموزشگاهی باشد و به بیان دیگر اعتقاد وی براینست که آموزشگاه نیز یکی از وسایلی است که طبع فردناپخته را نظام می بخشد و او را برای زندگی در جامعه آماده می نماید. در واقع ادامه حیات جمعی را منوط به انتقال و ارتباط می داند.

"انتقال و ارتباط نه تنها حیات جامعه را استمرار می بخشد بلکه می توان گفت که وجود جامعه بسته به همین انتقال و ارتباط است انتقال و ارتباط ذات زندگی مشترک جمعی است"^۲

جان دیوئی زندگی اجتماعی ، و زمینه پرورش اجتماعی در آموزش و پرورش را ایجاد ارتباطی می داند ، و ایجاد ارتباط را عامل اساسی تربیتی می پندارد ، برای اینکه افراد در ضمن برقراری ارتباط بایکدیگر تجارب جدید بدست می آورند و در تجارب گذشته آنها تحول و تغییری حاصل می شوند . در حقیقت وقتی جان دیوئی تعلیم و تربیت را تجدید نظر در سازمان تجارب ، معرفی می کند پایه این تجدید نظر و تغییر در تجارب ، حاصل ارتباط با افراد جامعه است. در تعلیم و تربیت دیوئی

۱ - جزوات انقلاب فرهنگی ، مکاتب تعلیم و تربیت صفحه ۲۵

۲ - مقدمه ای بر فلسفه آموزش و پرورش - جان دیوئی - ترجمه امیر رح - آریان پور صفحه ۶ .

هیچ مقوله ای خارج از احوال زندگی و روابط اجتماعی قابل فهم نیست به عنوان مثال در باره نظریه‌های دانشمندانی که سازمان اجتماعی را موجب محدودیت آزادی انسان دانسته‌اند می‌گویند.

"باید پذیرفت که بدون سازمان اجتماعی اساساً آزادی واقعیت و آزادی مثبت، مفهومی پیدا نمی‌کند، سازمانهای اجتماعــــی فعالیت های افراد را با یکدیگر هم‌نوا می‌سازد، بدیهی است که اگر میان فرد و محیط هم‌نوائی نباشد فعالیت‌های او به نتیجه مثبت نخواهد رسید و آزادی عمل او از میان خواهد رفت... در واقع آزادیی که ناشی از زندگی اجتماعی و الزامات و مزایای آن باشد با دوام و قابل اطمینان است."^۱

در این مقوله کارل یاسپرس فیلسوف نامی آلمان با دیوئی هم‌رای است یعنی در نظر یاسپرس هم "آزادی به هنگام عمل و در جهان و در ضمن برخورد و ارتباط با دیگران تحقق می‌یابد... زیرا موجودی که با جهان آمیخته است بالاخره التفاتی به جهان دارد و نظری ابــــراز می‌کند، انسان در تنهایی محض و جدائی از جهان، التفاتی به جهان ندارد اگر در جهان با چیزی ارتباط و علاقه ای پیدا کند، در عین حال قصدی هم خواهد داشت که مبین آزادی است.^۲ جان دیوئی زندگی را یک کل پیوسته می‌داند و روش پروژه او مبین این اعتقاد فلسفی اوست. به عبارت دیگر در نظر این فیلسوف انسان در میان شبکه روابط گوناگون از جمله روابط اجتماعی زندگی می‌کند "انسان با هم‌نوعان و با طبیعت روابط نامحدودی دارد. آرمان (کمال مطلوب) ... به معنی

۱- فلسفه اجتماعی - ع. احمدی، نجف دریا بندری و همکاران، بنگاه

ترجمه نشر کتاب ۱۳۴۵ صفحه ۴۱۸.

۲- فلسفه های اگزستانانس و اگزستانسیالیسم تطبیقی - دکتر محمود

نوالی - صفحه ۲۵۳.

احساسی از این روابط فراگیر و دامنه نامتناهی آنهاست^۱ اساس فلسفه تربیتی جان دیوئی بر مکتب اصالت صلاح عملی^۲ و اصالت وسیله مبتنی^۳ است. او عقل و هر امر دیگری را وسیله‌ای برای بهبود زندگی انسان و حل مسایل زندگی می‌داند. "مسئله این است که بکشیم عاداتی برای هوش به وجود بیاوریم که بتواند به حل مسایل زندگی کمک کند."^۴

اگر عنایت شود معلوم می‌شود که نظرات هر سه متفکر تربیتی برای این اصل مبتنی است که ضمن اینکه حقیقت و واقعیت زیر بنای ذات انسانی روشن گردد، هر سه روشی را انتخاب می‌کنند که روح پاک انسانی با تربیت‌های نامناسب و تغییرات مضر به تعطیل، درماندگی و بیماری سوق داده نشود. لاک به کار انداختن حواس، روسو مواظبت از طبیعت پاک انسانی و جان دیوئی فراموش نکردن انسان به عنوان یک کل در میان روابط گوناگون اجتماعی را پیشنهاد کرده است. "بدون شک آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است، قطع نظر از اینکه یک موضوع چگونه به کودک شناسانده می‌شود، این است که آموزش کودک نباید استعداد او را برای عمل یا معنی، نقد هوشمند و رشد فهم از بین برده یا دچار عقب ماندگی نماید."^۵

۱ - چهار پراگماتیست، اسرائیل اسکفلر ترجمه محسن حکیمی، تهران ۱۳۶۶ صفحه ۳۱۷.

۲ - Pragmatisme

۳ - Instrumentalisme

۴ - همان کتاب صفحه ۳۲۸

۵ - چهار پراگماتیست، اسرائیل اسکفلر - ترجمه محسن حکیمی - تهران ۱۳۶۶ - صفحه ۳۵۳.

همچنین باید توجه شود علاوه از اینکه مربیان نباید استعداد و رشد اجتماعی افراد را دچار بیماری و عقب ماندگی سازند، باید به این نکته نیز توجه کنند که راه تکامل و شکوفائی استعداد های انسانی نامحدود می باشد، زیرا ذهن و عقل و خیال انسان همواره راهی است تازه ای را خلق می نماید. بنابراین هر تصویری که برای تفسیر و قایع برای حل مشکلات فراهم کنیم راه نهائی و پاسخ قطعی نخواهد بود.

" همان طور که کارگر متوالیا اسباب و آلات مختلفی که در دسترس دارد امتحان می کند ، انسان هم این تصورات را متوالیا می آزماید و آن را که برای حل مشکل مبتلی به موثر است انتخاب می کند. بنابراین قدر و اعتبار و حقیقت یک فکر به اندازه ای است که آن فکر امور مستفاد از تجربه را تکمیل کند." ^۱ بنابراین باید از تحمیل هدف های دلخواهی و تحمیلی نسبت به کودکان خودداری کرد. و با شناخت وجود آنها به انتخاب و اهداف مناسب همت گماشت . گاهی دیده می شود که " هدف های مربیان " خارج از فعالیت های واقعی کودکان بوده و نسبت به آنها کاملاً بیگانه است. ^۲

مکتب اسلام : اسلام دین تربیت است ، به مفهوم وسیع کلمه تربیت انسان از جهت جسم ، روح ، عقل و اندیشه و استدلال و عواطف و رفتار های اجتماعی که همگی در آیات قرآنی بیان و در احکام و فقه اسلامی به دقت بررسی شده اند . ^۳ تربیت در دیانت مقدس اسلام بسه صورت تعدیل غرایز ، نشان دادن اسوه (لقدکان فی رسول الله اسوه حسنه ، سوره احزاب آیه ۲۱) ، نشان دادن معیار در موارد مختلف مثلاً

۱ - فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه - پل فولکیه - ترجمه یحیی مهدوی

۱۳۴۷ صفحه ۳۶۵ .

۲ - مربیان بزرگ ، ژان شاتو - ترجمه عبدالحسین شکوهی صفحه ۳۰۳

۳ - اخلاق قرآن - سید احمد طبیبی شبستری ۱۳۴۲ صفحه ۵۲ .

در مسایل اقتصادی (و لا تقتلوا اولادکم خشیته املاق نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا ، سوره اسراء آیه ۳۱) ، راهنمایی در مسایل عاطفی (اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستاذنوا ، سوره نور آیه ۵۹) در گفتار و بیان (قولوا للناس حسنا ، سوره بقره آیه ۸۳) .

و در مسایل اجتماعی و همکاری (واعتصموا بحبل اللہ جمیعاً و لا تفرقوا ، آل عمران آیه ۱۰۳) و یا (تعاونوا علی البر و التقیوی و لا تعاونوا علی الایم و العدوان ، سوره مائده آیه ۴) ، و در تمام موارد مختلف دیگر قرآن مجید واحادیث نبوی و روایات ائمه اطهار ، راهنمایی های فراوانی برای انسان فراهم آورده اند .

اسلام دین معرفت و طرفدار علم و آگاهی است حضرت امام جعفر صادق ع می فرمایند :

العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس ، عالمی که به خصوصیات و احوال زمان خود آگاه است مورد تهاجم قرار نمی گیرد و ظواهر امر او را مورد حمله قرار نمی دهند . یکی از دلایل بعثت حضرت رسول اکرم ص بنا به بیان قرآن مجید یاد دادن کتاب و حکمت است (سوره جمعه آیه ۲) . قرآن مجید ما را به عمل به آنچه علم داریم ، دعوت می کند ، و توصیه می فرماید نفس خود را فراموش نکنیم : اتامرون الناس بالبرو تنسون انفسکم وانتم تتلون الکتاب افلا تعقلون . آیا دیگران را به سویی نیکی دعوت می کنید و خودتانرا فراموش می کنید (سوره البقره آیه ۱۵۱) . چرا حرفی می زنید و عمل نمی کنید در نزد خداوند گناه بزرگی است که بگوئید و عمل نکنید : یا ایها الذین آمنوا لم ، تقولون ما لاتفعلون کیر مقتا عندالله تقولوا ما لاتفعلون (سوره الصف آیات ۲ و ۳) علاوه از علم و عمل یاد دادن علم نیز به انحاء مختلف توصیه شده است و حتی برای تفهیم بهتر از مثالهای عینی استمداد و استفاده گردیده است : خرج

رسول الله (ص) فاذا فی المسجد مجلسان ، مجلس یتفقہون ، و مجلس بدعون الله ویسالونه ، فقال کلا مجلسین الی الخیر، اما هولاء یدعون - الله ، و اما هولاء فیتعلمون و یفقہون الجاهل ، هولاء افضل ، بالتعلیم ارسلت . ثم قعدمهم^۱ (حضرت رسول اکرم ص وقتی در مسجدی دو جلسه ملاحظه فرمودند که در یکی نامل و مطالعه می کردند و در جلسه دیگر خدا را یاد می کردند گفت از این دو مجلس کدامش بهتر است آنکه خدا را دعوت می کنند و یاد خدا را می کنند یا آنکه یاد می دهند و جاهلی را بسوی آگاهی می برند ، فرمودند این یکی بهتر است من برای تعلیم فرستاده شده ام و سپس نزد آنها نشستند.)

در دیانت مقدس اسلام در باب روشهای تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام ، روشهای خاص مطرح شده است . " اسلام وسایل چندی بسرای پرورش به کار می برد که از آن جمله اند :

الف - پند و اندرز

ب - کبفر و پاداش

ج - سرمشق و نمونه عملی نشان دادن

د - داستان و امثال

ه - عادت دادن به چیزی

و - بیان پیشامدها

هر رنگی از رنگها را از منفذی وارد جان انسان می سازد و هر یک زخمه، خاصی برای به صدا درآوردن یکی از تارهای سازجان است ..."^۲

در مسئله تعلیم و تربیت از لحاظ دیانت مقدس اسلام "هیچگونه برخوردی با مشکلات یا تغییرات حقوق فقهی در بین نیست. نه تنها

۱ - الحیاه محمد رضا حکیمی و ... جزا اول صفحه ۳۴

۲ - روش تربیتی اسلام ، محمد قطب ، ترجمه سید محمد مهدی جعفری
تهران ۱۳۵۶ صفحه ۲۴۳ .

در کسب سواد و علم معنی نیست، بلکه تاکید هم شده است.^۲ همانطور که در ابتدای این بحث گفته شد، دیانت مقدس اسلام به تمام ابعاد مختلف انسانی توجه دارد و از همه مهمتر به اقتضا - های زمان نیز عنایت می نماید به طور مثال حضرت علی علیه السلام می فرماید " اولاد خودتان را مجبور به کسب اخلاق خودتان نکنید، چه آنها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده اند."

از لحاظ مبنا و زمینه، تعلیم و تربیت نیز دیانت مقدس اسلام هم به وراثت و هم به تاثیر محیط عنایت دارد. از لحاظ انتخاب هدفها نیز به اعتبار نامحدود بودن قدرت انسانی محدودیتی برای تحقق هدفهای تعلیم و تربیت وجود ندارد، و در باب گستردگی هدف و - طرد یاس همواره تاکید شده است.^۳ جز گمراهان از رحمت الهی و گستردگی امکانات در برابر انسان ناامید نمی شوند، " قال و من یقنط من رحمه ربه الا الضالون (سوره الحجر آیه ۵۶).

حدیث نبوی: کل مولود یولد علی فطره ثم ابواه یمجسانه او یهودانه او ینصرانه نیز ناظر به تأیید وراثت پاک انسانی و تاثیر محیط می باشد که مسئولیت مربیان را یادآوری می کند.

یکی دیگر از مسائلی که در دیانت مقدس اسلام پذیرفته نیست تقلید کورکورانه است، در آیه ۱۶۷ سوره بقره می فرماید و قال الذین اتبعوا لوان لنا کره فنتبرء منہم حما تبروا انا کذلک یریم اللہ اعمالہم حسرات علیہم و ما هم بخارجین من النار، (در این موقع) پیروان و مقلدین می گویند کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم تا از آنها تبری جوئیم، آنچنانکه آنها (امروز) از ماتبری جستنند (آری) امن

۱ - اسلام دین و امت - لوئی گاردو ترجمه مهندس رضا مشایخی تهران

۱۳۵۲ صفحه ۳۴۱ .

۲ - الحیاه - محمد رضا حکیمی... تهران ۱۳۵۸ جزاالثانی صفحه ۲۹۳

چنین خداوند اعمال آنها را به صورت حسرت زائی به آنها نشان می دهد و هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد.^۱ و در آیه ۱۶۸ همان سوره مبارکه می فرماید : یا ایها الناس کلو مما فی الارض حلالا طیبا ولا تتبعوا خطوات الشیطان ، انه لکم عدو مبین (ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید، چه این که او دشمن آشکار شماست).^۲

در آیه های ۱۷۵ و ۱۷۱ سوره البقره " این نص های قرآنی صریحا اعلام می کند که تقلید کورکورانه و بدون تعقل و هضم دادن مطلب ، شیوه کافران است و اینکه شخص مومن نمی شود ، مگر آن وقتی که اسلام و ایمانش از روی علم و تحقیق باشد نه از روی تعبد و تقلید"^۳ . فرهنگ و معارف اسلامی ، فرهنگی جامعی است که نکات مثبت هر مکتبی در آن مقبول افتاده است آنچه از تجربه و تعقل ضروری است ، مورد توجه قرار گرفته است . در عوالم مادیات و جزئیات حق آنست که حدود و شغور هر مطلبی باید روشن باشد در این مقام اصل بر تشخیص است : " الشی مالم یتشخص لم یوجد " در عوالم کلیات و مسایل عقل توصیه های قرآن مجید بر تفکر و تعقل و تدبر است .

اصل علیت نیز با اینکه کاملا مورد توجه است اما حوادث عالم همواره در دایره تنگ جبر علمی (Determinisme) قابل تفسیر نیستند. گاهی علیت به اراده الهی از هم می پاشد و برای انسان نگرش و تفقه دیگری باز می شود که توأم با امید و اعتقاد تازه است که در های

۱- تفسیر نمونه ، جلد اول - زیر نظر ناصر مکارم شیرازی چاپ هفتم

۱۳۶۱ صفحه ۴۱۳

۲- همان کتاب صفحه ۴۱۷

۳- فرهنگ عقاید و قوانین اسلامی - عفیف عبدالفتاح طباره ، ترجمه سیداحمدطیبی شبستری ، قم ۱۳۳۸ صفحات ۴۹۲ - ۴۹۱ .

آزادی را برای دعا و نیایش و درخواست مفتوح می سازد:

مولوی در دفتر دوم مثنوی شریف می گوید:

چار طبع و علت اولی نیعم در تصرف دایمان باقیبیم
 کار منی علت است و مستقیم هست تقدیرم نه علت ای سقیم

بنابراین تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان یک مکتب تربیتی بر احکام و دستورات قرآن و احادیث نبوی مبتنی است ، که از طرفی قانون زندگانی فرد را در آنات و حالات مختلف تعیین می کند و از جانب دیگر امت مسلمان را نسبت به ابعاد مسئولیت و عمل اجتماعی متوجه نموده ، روابط جمعی و وظایف امت را نسبت به باریتعالی معین می نماید.

همچنین ، دقت و تامل در شیوه انجام بعضی عبادات ارزش - اجتماعی آنها را آشکارتر و ملموس تر می کند مثلا اقامه نماز جمعه و یا زیارت خانه خدا و یا ادای زکوه احساس تعلق داشتن کامل به امت را در نهاد هر فرد مسلمان زنده می نماید و این ندای اسلام که " مومنین همه برادرند " غایت اش ایجاد امت منسجم و متشکل اسلامی می باشد. پس نظام تعلیم و تربیت اسلام ، در بعد وسیع و گسترده ، فرد و امت اسلامی (جامعه) را در نظر گرفته و بهمین لحاظ به مسئولیت در برابر خود و مسئولیت در برابر جامعه اسلامی و مسئولیت در برابر پروردگار جهان را مد نظر قرار می دهد و رشد و شکوفائی آحاد بشری را منظور داشته ، و تحقق اسلام را در بعد جهانی و ایجاد اخوت اسلامی ، لازم - می داند . البته همه این فعالیت های تربیتی در عالم اسلامی ، بر محور توحید و وجود خداوند و یاد باریتعالی مبتنی هستند.

نتیجه و نظر کلی :

مطالعه نظرگاههای علمای آموزش و پرورش از یک طرف ما را به ژرف نگری ، و استفاده از تفکرات عمیق آنها در باب روابط اجتماعی هدایت می کند. و از طرف دیگر به عدم امکان شناخت کامل در کلیت وجود انسان رهنمون می سازند. گاهی مشاهده می شود که مکاتب تربیتی و بنیان گذاران آنها به یک بعد انسان نگریسته و مکتب تعلیم و تربیت خود را روی آن اساس ، بنا کرده اند بعضی به زمینه نظری انسان دقت کافی داشته و به فلسفه فردگرائی پیوسته اند و به جامعه و اثرات آن روی افراد کم توجهی نموده اند. برخی تمام ششون فرد را بدست جامعه سپرده و فرد را کاملا منفعل و منتزع از ابداع نگریسته اند . عده ای سنت گرائی کرده و تعقل و استنباط فردی را فقط در گرو بعضی از دانشهای سنتی قبول نموده اند. در صورتیکه اگر با دید منصفانه بنگریم این نگرشها و بینش ها به تنهایی ناقص و نارسا هستند ، برای اینکه نه ما فردیت افراد را می توانیم انکار کنیم و نه مانند اگوست کنت "فرد را جز خواب و خیال نپنداریم" در عین حال ، نمی توانیم تاثیرات جامعه را بر روی فرد منکر باشیم ، انسان آمیخته ای از فردیت و اجتماع است نهادها و سیستمهای تربیتی باید در برنامه ریزیها و روشهای تربیتی خود توجه کافی به ابعاد مختلف شناخت ها و ارتباط های انسانی با یکدیگر داشته باشند ، و فرد را از جامعه تفکیک نکنند و در عین حال آزادی های فردی را بی معنی تلقی نمایند. بهر حال ، افراد در جامعه زندگی می کنند و تحت الزامات جامعه ، معنی انسانی خود را پیدا می کنند ، زبان یاد می گیرند کنترل عواطف خود را می آموزند و ... اما در برابر مکاتبی که کلیت انسانی را در نظر نمی گیرند و از کل انسان ساحت و بعدی را اصالت می دهند ، مکتب تربیتی اسلام در سپهر تعلیم عالییه اسلامی می اندیشد و باتفکر

توحیدی ، فرد و جامعه هر دو را اصالت می دهد ، و آموزش و پرورش را این چنین هدایت می کند یعنی به تمام جنبه ها و ساحت های مختلف انسانی توجه می نماید. و نیز از توجه به نیازهای ذاتی و فطری انسان برای شناختن ماوراء الطبیعه غفلت نمی ورزد و به سوی تحقق انسان کامل گام برمی دارد.

منابع مورد استفاده

- ۱- هایدگر - مارتین - وجود و زمان و کوروز - موریس - فلسفه هایدگر
پاریس ۱۹۶۹
- ۲- ف - ل - مولر - تاریخ روانشناسی - ترجمه کاردان - علیمحمد
جلد دوم .
- ۳- دورکیم - امیل - تعلیم و تربیت
- ۴- تفسیر نمونه ، جلد دهم و هفتم ، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی
۱۳۶۰
- ۵- آلبرت اروسون - روانشناسی اجتماعی ، ترجمه حسین شکرکسن
تهران ۱۳۷۰
- ۶- محمد شهرستانی و همکاران - روان شناسی تربیتی برای معلم ،
تهران ۱۳۴۴
- ۷- فولکیه - پیل - فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه ترجمه یحیی مهدوی
- ۸- علاقه بند - علی - جامعه شناسی آموزش و پرورش
- ۹- شریعتمداری - علی - جامعه شناسی و تعلیم و تربیت ۱۳۶۲
- ۱۰- کرین - ویلتام ، سی - ترجمه ... فریدخدائی ، پیشگامان روانشناسی
رشد .
- ۱۱- جان لاگ ، ترجمه رضا زاده شفق تحقیق در فهم بشر، تهران ۱۳۳۹
- ۱۲- شاتو - ژان - مربیان بزرگ ، ترجمه غلامحسین شکوهی تهران ۱۳۷۲
- ۱۳- کاپلستن - فردریک فیلسوفان انگلیسی (از هابز تا هیوم) ترجمه
امیر جلال الدین اعلم تهران ۱۳۶۲
- ۱۴- دفتر همکاریهای حوزه و دانشگاه - فلسفه تعلیم و تربیت جداول
- ۱۵- دریا بندری ، توسط احمد و نجف و همکاران ، فلسفه اجتماعی -
تهران ۱۳۴۵
- ۱۶- جزوات انقلاب فرهنگی ، مکاتب تعلیم و تربیت

- ۱۷- دیوئی - جان ، مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش ترجمه ،
امیر حسین آریان پور
- ۱۸- نوالی - محمود فلسفه های اگزیستانس وگزیستانسیالیسم
- ۱۹- اسکفلر - اسرائیل چهار پراگماتیست ترجمه محسن حکیمی ۱۳۶۶
- ۲۰- طیبی شبستری - سیداحمد اخلاق قرآن ۱۳۴۲
- ۲۱- حکیمی - محمد رضا الحیاه جزء اول تهران ۱۳۵۸
- ۲۲- قطب ، محمد ، روش تربیتی اسلام ترجمه سید محمدهدی
جعفری تهران ۱۳۵۶
- ۲۳- گارده ، لوئی اسلام دین وامت ترجمه مهندس رضا مشایخی
تهران ۱۳۵۲
- ۲۴- طباره ، عفیف عبدالفتاح فرهنگ عقاید و قوانین اسلامی ترجمه
سیداحمدطیبی شبستری قم ۱۳۳۸
- ۲۵- جلال الدین مولوی به کوشش (رینولدالین نیکلسون) دفتر دوم
از بیت ۱۶۲۵